

«مواکب» در بازار کتاب

کتاب «مواکب» نوشته حجت الاسلام غلامرضا ابادری، راینز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عراق توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به زبان عربی منتشر شد. این کتاب موضوعات مختلفی از جمله کرم و مهمان نوازی مردم عراق به زائران حضرت سید الشهدا (ع) را بررسی می کند.

فصل اول کتاب استحباب موضوع زیارت اربعین و زیارت پیاده حضرت سید الشهدا علیه السلام در احادیث و روایات را مورد

فنی صدرزاده، همزمان با مراسم «سرباز روز نهم» و «اسم تو مصطفاست»

طفی؛ روز نهم

بد ابراهیم» از شجاع ترین فرماندهان ایرانی «گردان عمار» لشکر فاطمیون در سوریه حضور یافت. سید ابراهیم زمان شهادتش را پیش بینی کرده بود که با یک گلوله شهید می شود. از این رو طبق پیش بینی اش در اول آبان روریست های تکفیری در حومه حلب با یک گلوله به شهادت رسید و پیکر پمده شد.

تند که در آن با زندگی و زمانه این شهید آشنا می شوید.

دمهدی رحیمی، پریسا وزیرلو و فرزانه مردی انجام شده و تدوین آن توسط طری یازنویسی آن را انجام داده است. این کتاب توسط انتشارات «راه یار» گسترده ای که نشان از علاقه مندی مردم به آثار دفاع مقدس و شهدای هم روایتی از سمیه ابراهیم پور، همسر شهید مدرزاده به قلم راضیه تجار بازار کتاب شده است.

همراه با رونمایی و انتشار تقریظ های رهبر معظم انقلاب آیتا... خامنه ای بن رویداد ملی تکریم فعالان مساجد سراسر کشور با عنوان «مثل مصطفی» مان بسیج مستضعفین برگزار می شود.

بید قهرمان با راضیه تجار و پریسا وزیرلو گفت وگو کرده ایم که مشروح آن را



بررسی قرار می دهد. فصل دوم در خصوص تاریخ موکب ها و تطور تاریخی آنهاست و فصل سوم به بررسی ریشه های انقلاب صفر در سال ۱۹۷۷ در خصوص پیاده روی اربعین می پردازد. فصل چهارم و پنجم کتاب به بررسی مواضع مراجع گذشته و معاصر شیعه در خصوص اربعین حسینی اشاره دارد. نویسنده در فصل ششم کتاب، اهداف تشکیل مواکب حسینی را به بحث می گذارد. موضوع توزیع جغرافیایی مواکب و ویژگی های

[۱] تهیه آثاری درباره شهدا به ویژه شهید صدرزاده به عنوان شهید مدافع حرم

چه چالش هایی برای شما به همراه داشت؟

سال ۹۴ حدودا دو هفته بعد از شهادت آقا مصطفی بود که محمد مهدی رحیمی (یکی از پژوهشگران و مصاحبه کنندگان کتاب) کار این کتاب را شروع کردند. در آن بازه زمانی هنوز بحث شهدای مدافع حرم و این که از ایران رزمنده ای به سوریه اعزام شود چندان مطرح نبود و خیلی ها نه با هویت ایرانی بلکه با هویت کشور دیگری به آنجا می رفتند. بنابراین مجاب کردن آنها به صحبت (هرچند در مورد رزمنده دیگری) بسیار سخت و زمانبر بود. یکی دیگر از چالش هایی که در مصاحبه با خانواده شهید به خصوص خانم ها داشتیم این بود که انجام این مصاحبه ها زمانی انجام شد که هنوز مدت زیادی از شهادت آقا مصطفی نگذشته بود و طبعاً آنها به لحاظ روحی آمادگی تعریف از جزئیات برخی مسائل از آقا مصطفی را نداشتند. برای کتاب نیاز به یک سری مصداق از کودکی و نوجوانی شهید داشتیم. این که مثلاً در کودکی چه بازی هایی می کرده، در مدرسه درسش چطور بوده، با چه مدل دوستانی معاشرت داشته، نحوه آشنایی شان برای ازدواج چگونه بوده و... برای ما جانداختن این که چرا با جزئیات نیاز به دانستن این سوال ها داریم، نوعی چالش بود محسوب می شد. به عبارتی برای شان ملموس نبود که کتاب باید ابتدا و انتها داشته باشد و من مدام با این سؤال از طرف آنها مواجه می شدم که چه لزومی دارد این موضوعات در کتاب آورده شود؟ یادآوری و تکرار خاطرات آقا مصطفی برای شان بسیار مشکل بود. هم خودشان از این بابت اذیت می شدند هم ما. نکاتی که مطرح کردم چالش هایی بود که در بخش پژوهش و مصاحبه داشتیم که این چالش ها در بخش تدوین تغییر کرد. شهید صدرزاده انسانی چندبعدی بود که این ویژگی از نکات برجسته ایشان محسوب می شد اما جمع کردن و انسجام این ابعاد در کنار هم برای ما در مصاحبه و تدوین مشکل بود. چون این ابعاد و وجوه باید خط واحدی داشتند.

[۲] محوریت کتاب، مصاحبه با برخی فرماندهان ایرانی جبهه مقاومت است که شاید برای اولین و آخرین بار فرصت گفت وگو با آنها فراهم شده. گرفتن مصاحبه ها چقدر زمان برد؟

تا پیش از چاپ کتاب مشغول گرفتن مصاحبه ها و افزودن نکاتی بودیم. ما به افراد زیادی دسترسی نداشتیم اما به هر حال بودند کسانی که در این راه با ما همراهی کردند؛ مثل شهید مرتضی عطایی که از دوستان نزدیک شهید صدرزاده در سوریه بود و خاطرات زیادی از ایشان داشت. شهید عطایی برای ما از خاطرات آقا مصطفی می گفت و در همان زمان حدودا یک سال بعد از شهادت آقا مصطفی به شهادت رسید. مصاحبه های ایشان بعدها تحت عنوان «ابوعلی کجاست» که در واقع خود گفته هایی از ایشان است، منتشر شد. اتفاقی نادر که قطعاً خود ایشان هم فکرش را نمی کرد همان مصاحبه هایی که برای دوست و همزمش انجام می داد بعداً برای شهادت خودشان هم استفاده شود. شهید صدرزاده ۹ بار به سوریه سفر کرد و ما برای تک تک این سفرها باید محتوا در نظر می گرفتیم. در واقع از هیچ کدام از این سفرها نمی توانستیم عبور کنیم. بیش می آمد که در روایت یک سفر به این می رسیدیم که هیچ روایتی از هیچ کس در این باب نداریم. بنابراین می رفتیم دنبال کسی که روایتی از این سفر داشته باشد. این روند و نکات تکمیلی که در مصاحبه با خانواده ایشان به کتاب افزده می شد، طبعاً زمانبر بود.

[۳] نکته ای از زندگی شهید صدرزاده که شما را مجذوب کرد، چه بود؟

آتش به اختیار بودن شان به معنای واقعی کلمه برایم بسیار قابل تحسین است. او هیچ وقت منتظر دستور یا صلاح دید فلان شخص یا فلان سازمان و نهاد دولتی و غیردولتی نمی شد. به توانایی های خودش باور داشت و متعاقب آن به توانایی های نوجوانان و جوانان بها می داد و به رشد و بالندگی شان کمک می کرد. تمام روایات و مستنداتی که جمع آوری کردیم حاکی از این بود که شهید صدرزاده برای ساختن خود بسیار تلاش می کرد. ما هم تمام تلاش مان را کردیم که این ویژگی شان را به شایستگی نشان دهیم. نه به این منظور که شهید صدرزاده را انسانی مقدس بدون هیچ نقصی نشان دهیم، قطعاً او هم

آنها هم در فصل هفتم کتاب آمده است. راینز فرهنگی ایران در عراق در فصل هشتم، ایثارگری ها و عبرت های ناشی از فرهنگ موکب داری را مورد بررسی قرار می دهد و در فصل نهم به بررسی نقش حمایت های حکومتی در سامان بخشی به حرکت موکب داری می پردازد. نویسنده کتاب در فصل دهم این اثر ارزشمند، برنامه های متنوع مواکب را در حوزه های مختلف بررسی می کند.



شهیدی که مورد تمجید سردار سلیمانی قرار گرفت

کتاب «سرباز روز نهم» روایتی از زندگی و زمانه بسیجی مدافع حرم، شهید مصطفی صدرزاده است که گروهی از نویسندگان آن را گردآوری کردند و پریسا وزیرلو یکی از این پژوهشگران، مصاحبه کنندگان و تدوین گران است. این کتاب حاصل زندگی مجاهدانه و خستگی ناپذیر شهیدی است که به دلیل محبوبیت و رشادت هایش مورد تمجید سردار شهید سلیمانی قرار گرفت. مصاحبه زیر گفت وگویی جامع با پریسا وزیرلو درباره مراحل پژوهش و تدوین کتاب و زوایای زندگی شهید صدرزاده است که می خوانید.

[۱] در این کتاب چقدر سعی کردید مظلومیت شهدای مدافع حرم را با وجود بی مهری ها و شایعاتی که درباره آنها گفته می شود، نشان دهید؟

ما واقعیت ها را با زگو کردیم و از آنجا که این گونه کتاب ها مستند است باید برای هر موضوعی که بازگو می کنیم روایتی بیابوریم که حق مطلب ادا شود. به عنوان مثال تلاش و اصراری را که برای رفتن به سوریه داشتند، سعی کردیم به درستی نشان دهیم یا توجیهی که به خانواده شهدا داشتند. در هر بازگشت از سوریه به ایران حتما زمانی را به دیدن خانواده شهدا اختصاص می دادند و ما تک تک این نکات را بدون ذرای اغراق در کتاب ذکر کردیم.

[۲] در نوشتن از زندگی شخصیت ها و شهدای مدافع حرم تا چه حد می توان وارد خیال شد و دست به تخیل زد؟

اصلاً نمی توانیم وارد خیال شویم، ما باید مستندات را بر مبنای واقعیت همان گونه که بوده و هستند بنویسیم. برای تک تک اتفاقاتی که روایت می کنیم باید روایت یا مصداقی ذکر کنیم. کمالین که برای خود من هم این مسأله در تدوین پیش آمد که برای اتفاقی که در مصاحبه زمان زیادی روی آن نگذاشته بودم خاطره یا روایت مستندی نداشتیم و مجبور بودم یکسری سولات را دوباره بیرسم با بگردم دنبال مصداق هایی که بتوانم برای مفهوم کردن یک اتفاق از آنها استفاده کنم.

[۳] و در پایان به نظر می رسد کتاب هایی که درباره شهدا نوشته می شود باید از کلیشه خارج شود. برای دوری از کلیشه ها چه نکاتی از زندگی شهید باید لحاظ شود تا برای مخاطب تازه گی داشته باشد؟

از تجربه خودم در تهیه این کتاب می گویم، ما در این کتاب فقط از موفقیت های شهید صدرزاده نگفتیم بلکه از شکست هایش هم گفتیم. ابایی از گفتن واقعیت ها نداشتیم. به این دلیل که این ذهنیت برای مخاطب پیش نیاید که شهدا افرادی خاص و متفاوت از ما انسان های عادی بودند یا زندگی ایده آل و کاملی داشتند. شهدا هم انسان بودند با تمام فراز و نشیب هایی که یک انسان در طول زندگی طی می کند و اتفاقاً بازگو کردن همین فراز و نشیب هاست که باعث می شود شهید برای ما ملموس و دست یافتنی باشد. نویسنده نباید صرفاً موفقیت های شهید را پررنگ جلوه دهد و باید در بیان روایت صادق باشد. صداقت نویسنده اثر را از کلیشه خارج می کند، در نظر گرفتن ابعاد مختلف زندگی یک شهید، مواجهه ایشان با اهالی محل، دوستان، برخوردشان با مسائل سیاسی و اجتماعی و... به روشن تر شدن وجوه زندگی یک شهید کمک می کند و ما در این کتاب عابدمانه راوی زندگی و زمانه زندگی این شهید بزرگوار بودیم.

خطاهایی داشته اما بعد از انجام خطا از آن درس گرفته و بار دیگر با پختگی بیشتری عمل کرده، همچنین در موقعیت هایی که قرار می گرفت نسبتش را با موقعیت ها درک می کرد و با توجه به نسبتی که داشت، سعی می کرد اثرگذار باشد. این موقعیت ممکن بود در مسجد و هیات باشد یا در برنج فروشی یا در استخر و... . مثلاً استخر اجاره می کرد و بچه های عضو مسجد و بسیج محله شان را با هزینه پایین تر به آنجا می برد یا در برنج فروشی اش بیش از اندازه از اشخاصی دعوت به همکاری می کند تا آنها را مشغول به کار کند. به همین دلیل است که می گویم ایشان در همین موقعیتی که قرار می گرفت تاثیرگذارترین کاری که می توانست را انجام می داد.

برش

گستره مخاطبان «سرباز روز نهم»

زندگی شهید صدرزاده ابعاد مختلفی داشت. بنابراین افراد زیادی در قشرها و جایگاه های مختلف می توانند از آن استفاده ببرند. به خصوص از نظر من مربیان و معلمان که کارهای تربیتی می کنند، می توانند از این کتاب الگوبرداری کنند. نکاتی که در کتاب ذکر شده برای نوجوانان و جوانان بسیار مفید است. از این جهت که به موفقیت ها و شکست هایی که در مسیر رسیدن به هدف شان دارند چطور باید نگاه کنند و از آنها درس بگیرند.

جبلی با «سوسمار» می آید

نمایش «سوسمار» به نویسندگی حمید جبلی و کارگردانی رحمت امینی از ۶ شهریور در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه خواهد رفت. بهار مشیری، ابوذر ساعدی، فرزاد برهمن، عرفان معصومی و نوید جهانزاده بازیگرانی هستند که در این اثر نمایشی به ایفای نقش می پردازند. حمید جبلی بعد از گذشت دو دهه دوری از تئاتر به عنوان نویسنده و مشاور هنری نمایش سوسمار، همراه این گروه نمایشی و کارگردان خواهد بود. نمایشنامه سوسمار تازه ترین اثر حمید جبلی هنوز به چاپ نرسیده است و نسبت به دیگر آثار این بازیگر، نویسنده، کارگردان و صدابیشه، تجربه ای نو و متفاوت محسوب می شود.

ادبیات

سندیت محکم «سرباز روز نهم»

کتاب «سرباز رو نهم» جزو پروژه های مدافعان حرم است که از سال ۹۴ و چند روز بعد از شهادت مصطفی صدرزاده

محمد مهدی رحیمی پژوهشگر کتاب «سرباز روز نهم»

آغاز و سال ۱۴۰۰ منتشر شد. در این پروژه بالای ۱۳۰-۱۲۰ ساعت با شخصیت های مختلف مصاحبه شده است. چون زندگی شهید صدرزاده دارای و جوه مختلفی است. او بچه مسجد و هیات و بسیج است و در عین حال طلبه و دانشجو هم هست. به جبهه رفته، فعالیت های اقتصادی زیادی داشته و از طرفی هم به عنوان رزمنده از همان سال های ابتدایی جنگ سوریه وارد میدان مبارزه شده است. تنوع و ابعاد گسترده شخصیت ایشان، تعداد سؤژه هایی را که می بایست روی آنها کار می کردیم، بالا می برد و ما مجبور بودیم بابت این پروژه با شخصیت های زیادی صحبت کنیم. بنابراین از منظر جامعیت، کتاب سرباز روز نهم بسیار کامل است. ضمن این که این کتاب متواتر است و سندیت دارد. به عبارتی ما بابت ادعاهایی که در کتاب مطرح شده یا سندی ذکر کردیم یا به تواتر رسیده ایم. برای مثال درباره فعالیت فرهنگی شهید صدرزاده در منطقه، به گفته یک نفر استناد نکردیم و سعی کردیم در مورد آن با چند نفر گفت وگو و راستی آزمایی کنیم. از این جهت این کتاب کاملاً مستند است. همچنین زمان زیادی برای تهیه آن صرف شد. به این دلیل که کتاب را پیش از انتشار به اشخاص زیادی برای مطالعه و ارزیابی دادیم و آنها از زوایای مختلف آن را نقد کردند و ما بر اساس این نقدها کتاب را کامل کردیم.

سرباز روز نهم، کتابی است که زندگی و زمانه شهید مصطفی صدرزاده را نشان می دهد و شخصیت ایشان را گویا و روشن می سازد. یعنی کسی که این کتاب را می خواند کاملاً با شخصیت شهید آشنا می شود. حتی زمانی که پدر شهید یا دوستان شان این کتاب را خواندند، گفتند: «این کتاب، خود مصطفی را نشان می دهد».

البته در تهیه این کتاب با چالش های متعددی هم مواجه بودیم که از عمده ترین آنها می توانم به دسترسی سؤژه ها اشاره کنم. از این جهت که ابتدای کار یعنی سال ۹۵-۹۴ خیلی ها حاضر به گفت وگو درباره شهدای مدافع حرم نبودند با اگر صحبت می کردند، محتاط بودند. تقریباً از سال ۹۸-۹۷ و پیروزی ما بر داعش و تثبیت جنگ سوریه بود که آدم ها با فراغ بال از جنگ سوریه و مدافعان حرم صحبت کردند. تنوع و جوه شخصیتی شهید صدرزاده و متعاقب آن روایت از این وجوه، راستی آزمایی روایت ها، چگونگی روایت کتاب و... از دیگر چالش هایی بود که هنگام نگارش کتاب با آن روبه رو بودیم. طبق آنچه امروز در بازار نشر به چشم می آید، استقبال از کتاب های تاریخ شفاهی و خاطرات شهدای مدافع حرم چشمگیر است. این استقبال نشان دهنده آن است که مخاطب از این موضوعات استقبال می کند. یکی از دلایل آن شاید واقعی بودن سؤژه ها باشد. یعنی مادر خاطره و تاریخ شفاهی، زندگی واقعی افراد را نشان می دهیم. شعار نمی دهیم، تخیل نمی کنیم و مخاطب با سؤژه همذات پنداری می کند. در بحث مدافعان حرم علاوه بر موضوع دفاع از حرم که برای ما مقدس است، از آنجا که زمانه این شهدا را درک کردیم و اغلب حسن و سال خود ما هستند، حس و حال شان برای مان ملموس است.

